

پایان ...!



کتابخانه مرجع بهائیت شناسی  
[www.bahaibooks.blogfa.com](http://www.bahaibooks.blogfa.com)

ان لم يكن لكم دين  
فكونوا حراراً

فی دنیاکم

اگره هیچ عهد اومرکزی ایمان ندارید، لا اقل  
در نیای آزاده از نظر فکری آزاد تفکر کنید و  
استعمارزده نباشید.

امام حسین علیه السلام

## بنام پروردگار یکتا

... از چندی پیش تا کنون مسلکی  
 دست نشانده سیاستهای استعماری بنام  
 بهائیت در جوامع اسلامی شروع به فعالیت نمود  
 تا رسالت تاریخی خود را در جهت مقاصد روشن  
 و معلوم اِبتام رساند و در پیرو این هدف جزواتی  
 بعنوان تبلیغ دین در بین مسلمانان توزیع  
 کرده و ولی از آنجا که بمصداق «عطر آنست که  
 خود بپوید نه آنکه عطا ریگوید» حقیقتی در میان  
 نبود و اینگونه جزوات انباشته از الفاظ  
 منطقی مآبانه ولی میان تهی تهیه شده است  
 خوشبختانه مردم مسلمان و بخصوص طبقه  
 روشنفکر به نهان آنها پی برده و حقیقت بهائیت  
 بر آنها آشکار گردیده است .

با اینکه امروزه اکثر مردم ایران به علت  
 آشنائی با مومنین این مسلک چهره واقعی  
 آنرا بخوبی می شناسند ، معذک جای  
 شکفتی است که کارگردانان پشت پرده این  
 مسلک در حالیکه می دانند بهائیت بنام یک  
 دین (نه یک امتیاز برای رسیدن به مقامهای  
 اجتماعی) نه تنها نمیتواند در بین طبقه  
 روشنفکر جایی برای خود باز کند بلکه دیگر  
 روستائی های د و راز شهر هم که تحت تبلیغ  
 مداوم آنها قرار می گیرند متوجه شده و  
 برای جلوگیری از آلوده شدن خود و اجتماع  
 کوچکشان قدمهای مثبتی بر می دارند ، باز  
 هم سعی دارند چهره رسوای خود را رسواتر  
 سازند .

به همین جهت ما بر آن داشتیم که در  
 مقابل انبوه جزوات رنگارنگ و گوناگون ولی  
 متأسفانه عاری از حقیقت ، به چند موردی از

آن ، آنها برای روشن شدن افکار ، بخصوص  
 افکار دوستان عزیزبھائی ، پاسخ دھیم .  
 در جزوه حاضرہ د و مورد از « پیام  
 بھائی » اشارہ و مختصراً بحث گردیدہ است  
 دوستان عزیز را بہ مطالعہ و تطبیق با  
 ادعای رویا آفرین « پیام بھائی »  
 دعوت می نمائیم .

ارسطود رہارہ افلاطون استاد خود  
 چنین میگوید : « افلاطون را دوستی دارم  
 اما بہ حقیقت بیشتر از افلاطون علاقہ دارم . »  
 وجہ امتیاز انسان با سایر موجودات در  
 آزادیت و اختیار ، اما در برابر آزادی مسا  
 قرار دارد و تعہدی ، یعنی انسان در برابر  
 مسائل خارج جبری وی تفاوت فکری کند و  
 در برابر آنچه می فہمد و احساس می کند  
 مسؤلیت دارد کہ دیگران را نیز با خود ہمگام  
 کند و مسیر فکری و ایدئولوژیکی خود را بدیگران  
 بنمایاند تا از این رھگذر رسالت تاریخی خود  
 را انجام دادہ باشد . اما آزادی کہ در نہاد  
 انسانہا کم و بیش منافع خود را ہر چند توأم با  
 زیان بدیگران باشد می پسندد لہذا  
 آزادی نوع فہوم پیدا می کند ، یکی در جهت  
 مثبت کہ خدمت بنوع انسانی و تعہد بانجام  
 مسؤلیتہا در مقابل انسانیت و دیگری در جهت

منفی یعنی آزادی در سلب آزادی دیگران ،  
 اما عقل نمی پذیرد که هرگونه جنایت در قالب  
 آزادی و هر عملی را در قالب رسالت گنجانید .  
 بنابراین همانطور که آزادی بانسان تفویض  
 شده ، سوء استفاده از آزادی و انحراف  
 مسولیت هم محکوم است .

از مسائلی که بشر از قرون اولیه تا کنون  
 با آن مواجه است دین می باشد و انسانهای  
 آگاه با ارزیابی آن اجراء و گسترش آنرا  
 متصدد شده اند و تاریخ نشان داده است  
 که مذاهبی که اصالت داشته اند تا آن هنگام  
 که در مسیر ایدئولوژیکی خود فاصله نگرفته اند  
 در رخد مت اجتماع و برای اجتماع بوده اند .  
 همانطور که از بررسی رویداد ها نتیجه میشود  
 پذیرش این مذاهب اصیل ، در ورانهای  
 طلایی در تاریخ بشر بوجود آورده است .  
 از سوی دیگر مکاتبی در قالب مذاهب سدی در

راه پیشرفت مذاهب اصیل گشته اند که در  
 قرن اخیر به نمونه های از آن بنام بهائیت  
 برخورد می کنیم .  
 صرف نظر از اینکه بهائیت مطابق با کدام  
 دسیسهای سیاسی در ایران بوجود آمده  
 و نقش بهائیت و هدف از ایجاد آن چه بوده  
 ( که در جزوه مذاهب یا مسلك نگاشته شده )  
 به بررسی مطالب جزوه پیام بهائی بپردازیم .  
 مطلب چشمگیری که بآن توجه شده  
 تعالیم دوازده گانه است . اصولی که  
 برای عقب نماندن از مذاهب و مکاتب پیشرو  
 پرداخته شده است ولی چنانچه مشاهده  
 خواهید نمود اساس و پایه ای ندارد . تا  
 آنجا که در رخد و در این جزوه است به تحقیق  
 و بررسی دواصل آن می پردازیم .  
 اصل اول - وحدت عالم انسانی  
 پرسش : هدف و انگیزه وحدت عالم

انسانی چیست ؟ در راه خدمت با انسانها یا  
 در راه نابودی انسانها ؟ در تاریخ افرادی  
 چون اسکندر مقدونی ، چنگیز و هیتلر نیز  
 پیدا شدند و به کشورگشایی خود رنگ وحدت  
 جامعه جهانی دادند و عطر اقتدار طلبی  
 خود را بر سرپوش ایجاد حکومت جهانی مکتوم  
 نمودند . اما آیا این وعده در جهت رفاه  
 جامعه انسانها بوجود آمد یا در جهت نابودی  
 انسانیت و ارزشهای آن ، بخاطر شهوت  
 اقتدار یک نفر یا یک نژاد ؟

نکته قابل توجه اینست که تمام ادیان  
 برای وحدت عالم انسانی میآیند زیرا هر  
 پیغمبر و راهبر رهبر و پیشروی می خواهد دنیا  
 را در تحت یک آید و مرام در آورد بنا بر این  
 اینکه ادعای کنند آقای بهاء الله دنیا را به  
 یک قانون و یک مرام دعوت نمود و اسست  
 پدیدهای بدیع و تازه نیست که سبب ارجحیت

بهائیت بر ادیان و کتاب دیگر باشد .  
 حال ببینیم مؤسین مملک بهائیت در  
 طرح ریزی حکومت جهانی واحد یا به تمبیر  
 خود آنها « وحدت عالم انسانی » چه مطالبی  
 را بیان می دارند :

۱- آقای بهاء الله در صفحه ۱۹۶ ادعیه  
 محبوب ( که یکی از کتابهای ایشان است )  
 می گوید : کن كشملة النار لاعدائي و  
 كوشر البقاء لاجبائي ...  
 برای دشمنان من ( میرزا حسینعلی بهاء )  
 همچون آتش سوزان و برای دوستانم چون  
 آب بقاء باشید ...

۲- در صفحه ۲۱۶ کتاب مجموعه الواح از آثار  
 خود شان چنین میگوید :

ترجمه - شما ای احباء خدا ، برای آنانکه  
 بخدا او آیاتش ایمان دارند چون ابر رحمت و  
 برای آنانکه بخدا ایمان ندارند همچون عذاب

ولای حتی باشید .

انصاف دهید ، آیا این مطالب با وحدت  
عالم انسانی سازگار است و آیا یکنفر مظهر  
الهی هرگز چنین مطالب ضد و نقیض عنوان  
می کند ؟

۳- سید علی محمد باب در صفحه ۲۶۲ بیان  
فارسی ( تالیف خودش ) می نویسد :

ترجمه - بر هر یاد شاهی که به دین بیان  
( منظور مملکت سید علی محمد باب ) معتقد  
است واجب است هر کس را که باین دین ایمان  
ندارد روی زمین نگذارد ( یعنی سه و نیم  
میلیارد نفر غیر از اربابان معکوم بمرگند )

۴- در صفحه ۱۵۷ همین کتاب می نویسد :

« فی بیان حکم اخذ اموال الذین لا  
یدینون بالبیان » در حکم اینکه آنها یکم  
معتقد به آئین باب نیستند می بایستند  
اموالشان گرفته شود .

۵- عبد البهاء امام اول بهائیان در صفحه

۲۶۶ جلد دوم « مکاتیب » میگوید :

« شطوق بیان ( احکام بابیت ) حرق

کتب و هدم بقاع و ضرب اعناق و قتل عمام

الآ من آمن راد ستورد اد ه »

خواننده گرامی ، اگر تحقیق بخشیدن بوحده  
عالم انسانی اینستکه دشمنان يك گروه بخصوص

باید دنیا را و ادع گویند و هستی از آنها ساقط

گردد ، آنها که بمسلاحه های مخرب مجهزند

قدرت بیشتری در این نوع وحده عالم انسانی

راد ارای باشند ( ۰۰۰ وحده عالم انسانی

در ویترنام ، در کره ، در فلسطین ، در ۰۰۰ )

۶- « گنجینه حدود و احکام » بهائیت صفحه

۳۶۹ می گوید : « با منفصلین روحانی بهائی

نباید سلام و تکلم نمود و منفصلین اداری را نباید

بمخالف عمومی دعوت کرد »

نکات جالب و شنیدنی از این مدعیان

صلح پرست قرن بیستم فراوان است ولی  
 بهمین چند مورد اکتفا کرد و بیک نکته از  
 وحدت عالم انسانی از دید قرآن می نگریم  
 قرآن در سوره حجرات آیه ۱۳ میفرماید:  
 ما (خداوند) شما انسانها را از یک مرد  
 وزن آفریدیم و بدسته و قبيله های جداگانه  
 تقسیم نمودیم تا یکدیگر را بشناسید همانها  
 گرای ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست  
 و حتی هنگامیکه پیغمبر اسلام در نهایت  
 قدرت بود و مسلمین در اطراف و اکناف عالم  
 نفوذ داشتند این آیه شریفه نازل شد که  
 کافرین و غیر مسلمین را بسوی پروردگارت بسا  
 حکمت و پند دادند نیکو دعوت کن و با آنها با  
 بهترین وجه مباحثه نما.

ملاحظه می شود در آن موقعیکه اسلام  
 نهایت قدرت را در آرمیها شد و هرگونه حمله  
 و تجاوزی را می تواند سرکوب نماید و دستور

المصل مسلمین این است که بشر را با زبان  
 حکمت و پند و اندرز و موعظه براه خدا خوانند و  
 برای این منظور طریقی را اتخاذ کنند که  
 از همه نیکوتر باشد.

اصل پنجم تساوی حقوق زنان و مردان  
 آنچه مسلم است این اصل نیز مانع  
 بسیاری دیگر از اصول بهائیت در ارای کلماتی  
 ظاهر فریب و مورد پسند که از ترکیب آنها  
 جمله ای آراسته و عوام فریب بنام تساوی  
 حقوق زن و مرد بوجود آمده می باشد.

از دوستان بهائی سؤال می کنیم مگر  
 اسلام و ادیان اصیل قبل برابری را برای زن  
 و مرد نیاوردند؟ آنها هم مجری تساوی بین  
 زن و مرد بودند. مثلاً موارد اختلاف حقوق  
 زن و مرد در اسلام عبارتست از موضوع ارث و حکم  
 جهاد و ولایت بمعنی اعم و ولی در سایر شئون  
 از قبیل عبادات و درس خواندن و معلم شدن



وکار کردن و مالک شدن و تربیت فرزند و . . . .  
 با مردان حقوق برابر دارند . اما طبق گفته  
 آقای عبدالبهاء امام اول بهائیان در کتاب  
 «پیام ملکوت» در حقوق بین زن و مرد نباید  
 اصلاً اختلافی موجود باشد :

«روزی مردی وزنی نزد م آمدند . زن بمرد  
 گفت که کفشهای مرا پاک کن . مرد اطاعت  
 نمود و کفشهای زن را پاک کرد . بعد از این  
 عمل گفتم آیا شما هم کفشهای مردتان را پاک  
 می کنید ؟ زن جواب داد خیر ، من لباسهای  
اوراپاک می کنم ، گفتم نشد ، این تساوی  
 حقوق زن و مرد نیست حکم آنستکه شما هم  
 کفشهای اوراپاک کنید .»

دوست گرامی باتوجه به بیان صریح  
 امام اول بهائیان متوجه می شوید برخلاف  
برابری در اسلام ، تساوی مطلق در بهائیت  
 موجود است !

حال برای ارزیابی بهتر بهائیت نکات  
 زیر را توجه نمایید :

۱- آقای بهاء الله در کتاب «اقدس» و آقای  
 عبدالبهاء در رساله گنجینه حد و احکام  
 صریحاً زن را از نمایندگی شدن در بیت العدل  
 عمومی (مجلس مرکزی بهائیان) و تصمیم برای  
 جامعه بهائیت منع نموده اند . اگر می گوئید  
 بیت العدل يك مرکز جهانی است و کارهای  
 مهمی بصورت دارد و زن می تواند آن امور  
 را انجام دهد ، می گوئیم : - اولاً - همانطور  
 که تقریباً نصف مردم جهان زن هستند پس  
 تساوی حکم می کند که نصف نمایندگان  
 بیت العدل نیز زنان باشند . ثانیاً - چه  
 اشکالی موجود است که زن نباید جزو اعضا  
 بیت العدل باشد ؟ هر اشکالی موجود باشد  
 همان اشکالات هم بالنسبه برای زنان  
 مسلمان موجود است که بجهت آن اشکالات

نی توانند عهد مد اروضیفه خطیروکالت شوند.

۲- آقای بهاء الله و آقای عبد البهاء در همان

د و کتاب در مورد ارث می گویند :

« . . . وارث رابه هفت طبقه تقسیم کنید و

مجموع دارائی میت رابه صورت ۲۵۲۰ سهم

در نظر گرفته و بدین ترتیب به آنها دهید : «

از جمله : « سهم برادران - ۳۰۰ سهم

سهم خواهران - ۲۴۰ سهم

سهم پدران - ۴۲۰ سهم

سهم مادران - ۳۲۰ سهم «

ملاحظه می نمائید در این تقسیم بندی بیس

پند روماد روخواهر و برادر تفاوت قائل شد و

تساوی حقوق را رعایت نکرد مانند . و جالب

اینکه می گویند اگر میت فقط يك برادر رسد ری

و يك برادر رما د ری داشته باشد ارث منحصرأ

به برادر رسد ری رسد و برادر رما د ری از ارث بی -

نصیب است ! !

۳- آقای عبد البهاء و آقای بهاء الله همچنین

در آن د و کتاب حکم حج را فقط برای مردان

واجب کرده و بزنان اجازه حج نمی دهند !

۴- در بهائیت برای مردی که مرتکب دزدی

شده است سه حکم تعیین شده بدین ترتیب

که دفعه اول او را تبعید کنید و دفعه دوم حبس

و بالاخره دفعه سوم علامتی بر پیشانی او

قرار دهید ! ! تا شناخته شود ( باین ترتیب

به دزدان بهائی پس از گذراندن این سه

مرحله مشکل ! از طرف محفل بهائیان

جواز استفاده از دزدی داده می شود و

خیلی جالب است ! )

حال در کتاب اقدس که کتاب احکام

بهائیان است حتی چنین حکم زیبایی برای

زنان دزد هم یافت نمی شود . بنا بر این

اگر زنی دزدی کرد با او چه باید کرد و قانونگذار

بهائیت که مدعی تساوی حقوق زن و مرد است

چرا برای زنان دزد حکمی وضع ننموده است ؟

۵- آقای بهاء الله در کتاب اقدس در رساله

مهریه زنان می گویند : «...» مردانی که

موطن آنان شهرت است باید ۱۹ مثقال طلا

مهرکنند و چنانچه موطن مرد تراء و قصبات باشد

باید ۱۹ مثقال نقره مهرکنند ...»

بدنبال این مطالب ، در کتاب رساله

گنجینه حدود و احکام میگوید که مهر یا اعتبار

مرد است ، اگر شهری است طلا و اگر دهاتی

است نقره است .

۶- سید علی محمد باب در باب پنجم بیان

فارسی میگوید :

ترجمه- مردان در موقع سلام بگویند (الله اکبر)

و جواب بشنوند (الله اعظم) و زنان بجای

سلام بگویند (الله ایبی) و جواب بگیرند

(الله اجمل) .

این حکم را آقای عبدالبهاء هم در کتاب

مکاتیب جلد دوم صفحه ۲۴۵ پذیرفته اند

و بنا بر این شامل همه بایبها و بهائیهها میشود .

ای دوستان بهایی جماعت و قومی که

حتی در سلام دادن بین زن و مرد تفاوت

قائل شده اند معلوم نیست که با چه وجدان

و انصافی مردم را بجهله زیبای تساوی حقوق

رجال و نساء میفریبند . فاعتبروا یا اولی

الابصار- پس ای روشنفکران عبرت بگیرید .

جای شگفتی است که الفاظ در تحریف

حقایق تا چه حد مؤثر است و این آزادی که

عبارتست از انحراف نتیجه از موضوع یا موضوع

از نتیجه ، از دیدگاه انسان آگاه محکوم است .

قرآن در این مورد میفرماید : لَو كَانَ

مِن عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا

چنانچه کسی ادعای آوردن آئینی از طرف

خدا کند ولی ادعای او عاری از حقیقت باشد ،

بتحقیق خدا او را رسوایی کند و همه میتوانند

اختلافات زیادی در آدعایش مشاهده کنند ؟  
 در پایان درستان عزیز متوجه هستند که  
 در این جزوه بمنظور اختصار فقط چند موردی  
 از دواصل تعالیم درازده گانه مورد بحث  
 قرار گرفت و چنانچه تمایل به آگاهی از سایر  
 اصول بهائیت را داشته باشند می توانند به  
 کتابهای مؤسسه بهائیت مراجعه نمایند و یا  
 با امکاتبه نمایند تا با کمال میل پیرامون اسلام  
 و بهائیت با هم تبادل نظر کنیم .

اصدوق پستی ۴۶۸ شیراز